

جانشینی پیامبر ﷺ

مقدمه

جانشینی رسول خدا ﷺ پس از رحلت آن حضرت، به یکی از مهم‌ترین حوادث و مسائل تاریخ اسلام تبدیل شد. در درس قبل خواندید که پیامبر اکرم ﷺ به‌ویژه در آخرین ماه‌ها و روزهای زندگی، برای تبیین مسیر درست خلافت و جانشینی خود تلاش فراوانی کرد؛ اما چنان‌که خواهیم دید، سیر حوادث پس از رحلت آن حضرت، آن‌سان که او می‌خواست، پیش نرفت. در این درس مسئلهٔ جانشینی پیامبر ﷺ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خلافت^۱

جنگ یا هدف دیگری، از مدینه خارج می‌شد، حتماً کسی را به‌جای خود نصب می‌کرد و تعیین جانشین مناسب آن‌قدر برای آن حضرت با اهمیت بود که در غزوة تبوک – چنان‌که گفتیم – تنها گزینهٔ مناسب برای جانشینی در مدینه را امیر مؤمنان علی رضی الله عنه دانست؛ زیرا خطر تحرک منافقان وجود داشت.

پیامبر ﷺ و مسئلهٔ خلافت

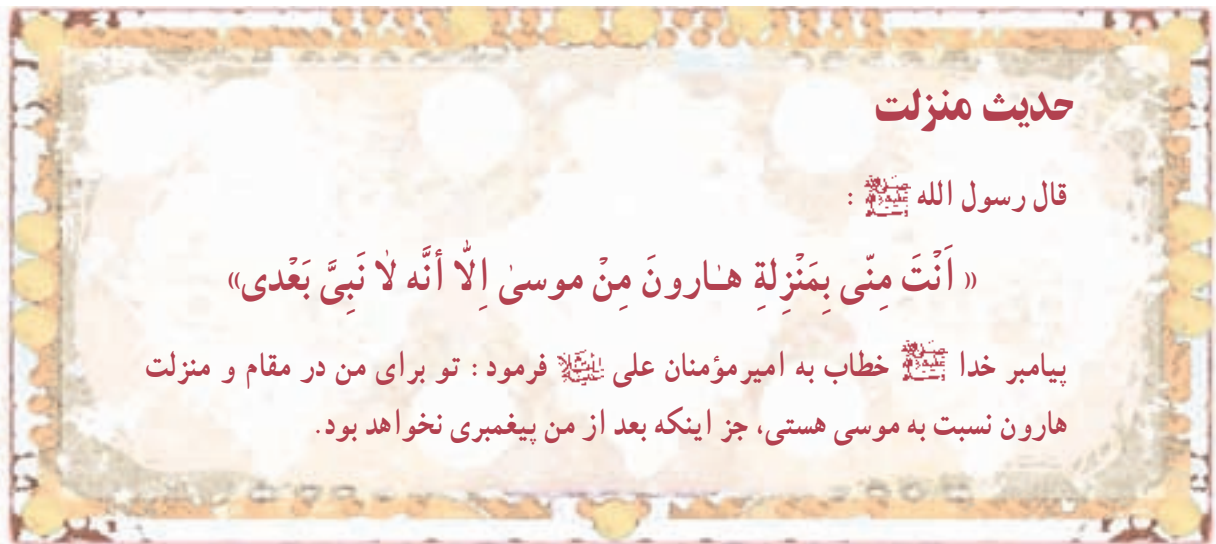
یکی از پرسش‌های مهم که همواره ذهن امت اسلامی را به خود مشغول داشته، این است که آیا

مسئلهٔ حکومت و رهبری از اساسی‌ترین امور هر جامعه است. حتی جوامع بسیار کوچک نیز برای خود حاکم و رئیسی مشخص می‌کرده‌اند و پیروی از دستورات او را بر خود لازم می‌دانسته‌اند. در زندگی قبیله‌ای، شخصی به‌عنوان شیخ و رئیس قبیله، و در جوامع بزرگ‌تر، حاکم، فرمانروا یا پادشاه ادارهٔ امور را برعهده می‌گرفت. با هجرت پیامبر خدا ﷺ به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی، ریاست امور، در دست آن حضرت قرار گرفت. هرگاه که رسول خدا ﷺ به علت

۱- خلافت به معنای جانشینی است و در اسلام، خلیفه به کسی گفته می‌شود که پس از رحلت رسول خدا ﷺ به‌جای آن حضرت، عهده‌دار

مردم معرفی کرده است. شیعیان همچنین اعتقاد دارند که رسول خدا ﷺ در مناسبت‌های گوناگون، امیر مؤمنان علی علیه السلام را به عنوان جانشین و امام و خلیفه پس از خود، تعیین و منصوب کرده است که به عنوان نمونه، می‌توان به جریان «یوم الانذار» در سالیان آغازین بعثت، حدیث منزلت، حدیث ثقلین و از همه مهم‌تر به حدیث غدیر اشاره کرد.

رسول خدا ﷺ برای اداره امور امت اسلامی پس از خود، کسی را به جانشینی برگزید یا خیر؟ در میان امت اسلامی در پاسخ به این پرسش دو نظر وجود دارد. شیعیان معتقدند رسول خدا ﷺ چنان‌که در دوره حیات خویش، در غیاب خود، جانشین تعیین می‌کرد، طبعاً برای پس از رحلت خود نیز امت را به حال خود رها نکرد و مناسب‌ترین گزینه را به عنوان جانشین خود، به



حدیث منزلت

قال رسول الله ﷺ :

« أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي »

پیامبر خدا ﷺ خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: تو برای من در مقام و منزلت هارون نسبت به موسی هستی، جز اینکه بعد از من پیغمبری نخواهد بود.

۲- شیوه فرماندهی و حاکمیت رسول خدا ﷺ گویای حساسیت فراوان آن حضرت نسبت به حاکم و رهبر جامعه است، به گونه‌ای که با وجود همراهی امیر مؤمنان علیه السلام در همه غزوات با رسول خدا ﷺ، در غزوه تبوک به علت خطر منافقان، علی علیه السلام را در مدینه به جای خود گذاشت. بدین ترتیب، آیا حساسیت وضع امت پس از رحلت رسول خدا ﷺ و احتمال تحرک دشمنان و بروز تفرقه، ایجاب نمی‌کرد که رسول خدا ﷺ نسبت به مسئله خلافت و جانشینی بی‌توجه نباشد؟!

۳- روایات تاریخی گویای آن است که هر یک از دو خلیفه اول و دوم (ابوبکر و عمر) قبل از وفات خود،

اما اهل سنت معتقدند رسول خدا ﷺ در دوره حیات خود کسی را به عنوان جانشین پس از خود تعیین و نصب نکرد و مسئله تعیین خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله را به خود امت واگذار کرد. آنان همچنین روایات مربوط به جانشینی امیر مؤمنان علی علیه السلام را نپذیرفته یا توجیه کرده‌اند. برای تأیید دیدگاه شیعیان، توجه به چند نکته شایسته است:

۱- تعیین جانشین و خلیفه از سوی رسول خدا ﷺ، با خواست و روال طبیعی و فطری جوامع انسانی - اعم از دینی و غیردینی - مبنی بر ضرورت تعیین حاکم و رهبر جامعه سازگارتر است.

به فکر تعیین جانشین بودند؛ بدین لحاظ، آیا نمی‌توان چنین فرض کرد که رسول خدا ﷺ نیز حداقل در حد دو خلیفه اول و دوم از درایت لازم در امور حکومت و رهبری برخوردار بوده است؟!

۴- فراوانی روایات مربوط به خلافت و جانشینی امیر مؤمنان علی رضی الله عنه برای پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه‌ای است که جای هیچ‌گونه تردیدی در تعیین و نصب امام علی رضی الله عنه به امامت و خلافت توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نمی‌گذارد. این روایات در بسیاری از منابع اهل سنت نیز به چشم می‌خورند.

در سقیفه چه گذشت؟

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مسیر خلافت، امامت و رهبری امت، آن‌سان که آن حضرت در غدیرخم ترسیم کرده بود، به پیش رفت. در فضای رقابت آمیز میان گروه مهاجران و انصار، جمعی از انصار با شنیدن خبر رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، در مکانی موسوم به «سقیفه بنی ساعده»^۱ گرد آمدند تا درباره مسئله جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله تصمیم بگیرند. گزارش‌های تاریخی گویای آن است که کسانی در آن جمع، از حق اهل بیت علیهم السلام در زمینه خلافت سخن به میان راندند. تعدادی از انصار نیز «سعد بن عباد خزرجی» را به عنوان خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح کردند.

با شنیدن خبر اجتماع انصار در سقیفه، سه تن از مهاجران، یعنی ابوبکر، عمر و ابو عبیده جراح به سرعت خود را به سقیفه رساندند. با ورود این سه نفر، مذاکراتی بین آنان و گروه انصار در گرفت. انصار همراهی خود با

رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایثار از مال و جان را دلیل سزاوارتر بودن نسبت به خلافت می‌دانستند؛ اما ابوبکر با استناد به این که خلافت باید به اعضای قبیله قریش برسد، پیشنهاد بیعت با عمر یا ابو عبیده را مطرح کرد. نماینده انصار در پاسخ گفت: امیری از ما و امیری نیز از قریش تعیین شود. اما عمر در واکنش به این سخن گفت: «دو شمشیر در یک غلاف ننگند» و بلافاصله دست ابوبکر را گرفته، با او بیعت کرد. از آنجا که انصار در درون خود گرفتار رقابت قومی و قبیله‌ای بودند، بعضی از آنان که امارت و حاکمیت سعد بن عباد خزرجی را نمی‌پذیرفتند، به سرعت با ابوبکر بیعت کردند و با بیعت آنان نوعی دو دستگی میان گروه انصار پدید آمد، و در نهایت، ابوبکر به عنوان پیروز میدان سقیفه به در آمد.

پس از خاتمه بیعت در سقیفه، جمعیت از آن محل خارج شده و به سوی مسجد نبوی صلی الله علیه و آله به راه افتادند و اهتمام آنان به تثبیت خلافت ابوبکر به قدری بود که در مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حضور نیافتند.^۲

در میان گروه‌ها و جریان‌های موجود پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، به جز گروه یاد شده از مهاجران و همفکران آنان (که امروزه اصطلاحاً از آنان به حزب قریش یاد می‌شود) و به جز انصار، دو جریان دیگر نیز به چشم می‌خورد: حزب اموی به رهبری ابوسفیان و حزب علوی (متشکل از بنی هاشم و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام). امیر مؤمنان علی رضی الله عنه به حسب وظیفه و نیز براساس وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که انصار و تعدادی از مهاجران در سقیفه جمع شده بودند، به تغسیل و تکفین جسم پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول بود. ابوسفیان نیز که در پی فرصتی

۱- مکانی سرپوشیده بود که دو طایفه اوس و خزرج در آن برای مشورت جمع می‌شدند.

۲- این روایت توسط ابن ابی شیبه (از مؤلفان اهل سنت در قرن سوم هجری) در کتاب «المصنّف»، ج ۸، ص ۵۷۲ نقل شده است.

برای بهره‌برداری به سود حزب اموی بود، با مشاهده نتیجه اجتماع سقیفه، به علی علیه السلام پیشنهاد جنگ مسلحانه با اهل سقیفه را مطرح کرد! اما آن حضرت با آگاهی از نیت درونی ابوسفیان، پاسخ سردی به وی داد.

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما، با وجود اینار و همراهی انصار با رسول خدا صلی الله علیه و آله و آگاهی از سفارش‌های آن حضرت نسبت به اهل بیت علیهم السلام، چرا انصار در انحراف مسیر خلافت پیشگام شدند؟

تحلیل ماجرای سقیفه

برای تحلیل ماجرای سقیفه، به چند نکته و پرسش باید توجه کرد:

۱- چنان‌که اشاره شد، به جز گروه اندک مهاجران در سقیفه و نیز گروه انصار، از دیگر مسلمانان - به‌ویژه بنی‌هاشم - خبری نبود. باید دید آیا نقش بنی‌هاشم در پیشبرد اسلام در حدّ نقش سه نفر مهاجر و گروه انصار حاضر در سقیفه نبود که آنان هیچ فردی از بنی‌هاشم را به آن جمع دعوت نکردند؟!

۲- در مذاکرات سقیفه، آنچه موجب غلبه مهاجران بر انصار شد، استناد به قرابت و نزدیکی ابوبکر به پیامبر صلی الله علیه و آله (به علت قریشی بودنش) و نیز مسن‌تر بودن ابوبکر بود. اکنون این پرسش جدی جای طرح دارد که اولاً اگر قریشی بودن، ملاک خلافت بود، چرا در آن جمع، به هیچ روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره استناد نشد؟ ثانیاً، بر فرض که قریشی بودن و نیز قرابت با رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاک گزینش فرد به عنوان خلیفه باشد، آیا در میان قریشیان، کسی از ابوبکر به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک‌تر نبود؟ آیا سابقه و قرابت بنی‌هاشم و در میان آنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، کمتر از ابوبکر بود؟

اما استناد به سنّ ابوبکر نیز بیش از آنکه با موازین اسلامی و سنت نبوی صلی الله علیه و آله سازگار باشد، با ملاک‌های قبیله‌ای عصر جاهلی انطباق داشت؛ چرا که اسلام تنها به شایستگی و لیاقت‌های فردی توجه کرده است؛ از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین روزهای حیات، اسامه بن زید را که نوزده سال بیشتر نداشت، به عنوان فرمانده سپاهی برگزید که یکی از اعضای آن سپاه، ابوبکر بود؛ ضمن آنکه براساس ملاک سنّ نیز، عباس - عموی پیامبر - به خلافت سزاوارتر بود؛ زیرا سنّ او از ابوبکر بیشتر بود و به پیامبر قرابت زیادتری داشت.

۳- ابوبکر به اعتراف خود، بهترین گزینه نبود. او در خطبه‌ای که فردای حادثه سقیفه در مسجد نبوی صلی الله علیه و آله ایراد کرد چنین گفت: «مرا که به زمامداری برگزیده‌اید بهترین شما نیستم ...». بنابراین، با توجه به شتابی که در جریان سقیفه برای گزینش خلیفه وجود داشت، بدون توجه به وجود گزینه‌های مناسب‌تر و بدون مشورت با عموم مسلمانان - به‌ویژه سران سابقه دار و مخلص صحابه - کار بیعت با ابوبکر منجر شد. گفتنی است در میان صحابه، شخصیتی چون امیر مؤمنان علی علیه السلام حضور داشت که در سابقه مسلمانان، شجاعت و درایت، امتحان خوبی پس

داده بود.

به مشکلات و مسائل را داشته باشد و نیز با بهره‌مندی از **ملکه عصمت**، توان اجرای درست احکام الهی را داشته باشد. از آنجا که شناخت فردی با این ویژگی‌ها از عهده مردم عادی ساخته نیست، از این رو، امام و خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و آله باید توسط خدا و رسول او تعیین و نصب شود و چنان که در درس قبل گفتیم، این کار توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و به امر الهی در بازگشت از حَجَّة الْوَدَاع در محل غدیر خم، با نصب امیرمؤمنان علی علیه السلام به امامت و خلافت انجام پذیرفت.

۴- مسئله امامت و خلافت، در واقع استمرار مسیر نبوت است. به دیگر بیان، هر چند وظیفه دریافت وحی، اختصاص به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت و با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله منقطع شد، اما مسئولیت تبیین و اجرای وحی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به جانشین راستین او انتقال می‌یابد؛ زیرا با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، نیازهای علمی و معرفتی امت پایان نمی‌یابد؛ بنابراین، کسی باید عهده‌دار مقام خلافت شود که با بهره‌مندی از علم **خطاناپذیر الهی**، توان پاسخ

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما با وجود فاصله اندک جریان غدیر خم و رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا جریان سقیفه پیش آمد؟

پیدایش تشیع

شواهد بسیار، تشیع ریشه در عصر نبوی صلی الله علیه و آله دارد و پیش از هر کس دیگر، خود رسول خدا صلی الله علیه و آله به پیروان امیر مؤمنان علی علیه السلام لفظ «شیعه» را اطلاق کرده است. به عنوان نمونه، بنا به نقل بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشاره به آیه ۷ از سوره بینه^۱، مصداق «خیر البریه» را امام علی علیه السلام و شیعیان او دانسته، فرمودند: «سوگند به آنکه جانم در دست او است، همانا علی علیه السلام و شیعیان او رستگاران روز رستاخیزند».^۲ افزون بر این، حتی می‌توان پیدایش تشیع را به دوره اقامت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و سالیان

پس از رخداد سقیفه، کسانی به مخالفت با خلافت ابوبکر برخاستند. افزون بر دو شخصیت برجسته بنی‌هاشم، یعنی امام علی علیه السلام و عباس بن عبدالمطلب، می‌توان از کسانی همچون زبیر بن عوام، خالد بن سعید، مقداد بن عمرو، سلمان، ابوذر، عمار، براء بن عازب و اُبی‌بن کعب به عنوان هسته اولیه مخالفان خلافت برآمده از سقیفه نام برد. اما آیا - چنان که برخی مدعی‌اند - اینان پایه‌گذاران جریان تشیع بوده‌اند، یا آنکه پیشینه تشیع به دوره حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می‌گردد؟ براساس

۱- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»؛ «و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند ایشان بهترین

آفریدگان‌اند.»

۲- این حدیث در بسیاری از منابع شیعی و سنی نقل شده و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله به قدری مشهور بوده که هرگاه علی علیه السلام وارد می‌شد، می‌گفتند:

«خیر البریه» آمد. به عنوان نمونه بنگرید به تفسیر آیه یاد شده در صفحه ۳۷۹ از جلد ۶ تفسیر الدر المنثور، اثر سیوطی، یکی از علمای مشهور اهل سنت.

آغازین پس از بعثت پیامبر ﷺ مربوط دانست؛ چرا که طبق حدیث یوم الانذار - که پیشتر به آن اشاره شد - رسول خدا ﷺ پس از آنکه همه بنی هاشم در اعلام یاری آن حضرت دچار تردید و سکوت شدند و امیر مؤمنان علی علیه السلام اعلام آمادگی کرد، با اشاره به آن حضرت فرمود: «این، برادر، وصی و جانشین من در میان شماست، پس سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید». یکی از کسانی که در میان آن جمع نسبت به سخن رسول خدا ﷺ اظهار موافقت کرد، ابوطالب بود. بدین ترتیب می توان پیدایش تشیع را با حادثه یوم الانذار پیوند داد.

از شخصیت های بزرگ صحابه که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پس از آن حضرت، اظهار تشیع کردند و بر این عقیده

پایند و استوار ماندند، می توان به سلمان، ابوذر، مقداد و عمار بن یاسر اشاره کرد. اینان پس از مشاهده رخداد سقیفه و پیامدهای آن، به مخالفت برخاستند؛ اما به توصیه علی علیه السلام و برای رعایت مصالح عمومی اسلام و مسلمانان - همچون خود امام علی علیه السلام - راه صبر و سکوت حکیمانه را در پیش گرفتند. پس از گذشت دوران ۲۵ ساله سکوت، و آغاز خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام، تعداد شیعیان رو به فزونی نهاد. در دوره حاکمیت معاویه، وی تلاش زیادی برای محو و نابودی شیعیان به کار بست، اما تشیع در مسیر دشوار خود، همچنان ره پیمود و با درایت امامان معصوم علیهم السلام توانست با وجود خطرات فراوان، به عنوان جریانی که نماد اسلام اصیل و ناب، است در پهنه تاریخ باقی بماند.

ابوذر غفاری

ابوذر غفاری (جُنْدَب بن جُنَادِه) یکی از صحابه برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و از شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. وی پیش از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به توحید روی آورده بود و با شنیدن خبر بعثت آن حضرت، با اشتیاق تمام رو به مکه آورد و به عنوان چهارمین یا پنجمین مسلمان، اسلام را پذیرفت. سپس به میان قبیله اش (غفار) رفت و پس از غزوه خندق به مدینه هجرت کرد و ملازم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گشت. در بعضی از غزوات، وی به عنوان جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ماند. در غزوه تبوک، آن گاه که برخی تصور می کردند ابوذر نیز همچون منافقان و برخی از مسلمانان، از همراهی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرهیز کرده، او شتر در راه مانده اش را رها کرد و لوازم سفر را بر دوش کشید و به مسلمانان ملحق شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که از دور او را مشاهده کرد، فرمود: «ابوذر تنها می زید، تنها می میرد، و تنها محشور می شود». از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخن تاریخی دیگری نیز درباره ابوذر نقل شده که: «آسمان بر سر مردی راستگوتر از ابوذر سایه نیفکنده است و زمین راستگوتر از او را بر پشت خود نداشته است». با رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ابوذر یکی از کسانی بود که همراه امام علی علیه السلام، بر بیعت با او به عنوان امام و خلیفه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استوار ماند و از بیعت با ابوبکر خودداری کرد. در زمان خلافت عثمان، ابوذر زبان به انتقاد نسبت به حیف و میل های بیت المال توسط خلیفه گشود؛ از این رو، خلیفه او را به شام تبعید کرد. معاویه وی

را همراه فاتحان مسلمان به ناحیه قبرس فرستاد و پس از بازگشت، چون تاب انتقادات او را نیاورد، مجدداً او را به مدینه بازگرداند. پس از مدتی، عثمان ابوذر را به منطقه دور افتاده و بیابانی ریزه تبعید کرد. هنگام رفتن ابوذر به ریزه – با وجود منع عثمان – امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، عمار یاسر و عبدالله بن جعفر او را بدرقه کردند. سرانجام ابوذر در تنهایی و غربت، در ریزه جان داد و توسط مالک اشتر و همراهان او که در حال عبور از آنجا بودند مدفون شد و راستی سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله معلوم گشت که فرمود: «ابوذر تنها می‌زید، تنها می‌میرد و تنها محشور می‌شود».

پرسش‌های نمونه

- ۱- تفاوت دیدگاه شیعیان و اهل سنت در ارتباط با مسئله امامت و خلافت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله را توضیح دهید.
- ۲- رخدادهای سقیفه را به صورت خلاصه گزارش کنید.
- ۳- رخدادهای سقیفه را نقد و تحلیل کنید.
- ۴- چرا تشیع ریشه در عصر نبوی صلی الله علیه و آله و دوره مکی دارد؟

اندیشه و جست و جو

– به جز جریان غدیر خم و یوم الانذار، دیگر موارد توصیه رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره امامت علی علیه السلام را بررسی کنید.

بخش چهارم



خلفای نخستین



دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان

مقدمه

پس از رخداد سقیفه، ابوبکر عهده‌دار مقام خلافت شد و پس از او، عمر و عثمان، به ترتیب به عنوان خلیفه دوم و سوم ایفای نقش کردند. دوره سه خلیفه نخستین دورانی حساس و پرحادثه بود. دوره ابوبکر، با جریان ارتداد و پیامبران دروغین همراه بود. دوره خلافت عمر نیز عمدتاً با فتوحات مسلمانان در کشورهای همسایه جزیره العرب مقارن بود. دوره خلافت عثمان نیز به شورش و قتل او انجامید. در این درس، به طور گذرا به این رخدادها اشاره خواهد شد.

بحران ارتداد

پیامبری، عده‌ای را دور خود جمع کردند و راه مخالفت با حکومت مدینه را در پیش گرفتند.^۱ ابوبکر پس از استقرار بر مسند خلافت، سپاهیان را گردآوری و برای مقابله با مرتدان و مدعیان نبوت اعزام کرد. یکی از درگیری‌های خونین میان سپاه مسلمانان و سپاه فراهم آمده توسط دو پیامبر دروغین، یعنی مُسَیَلَمَه و سِجَاح، در منطقه یمامه رخ داد که به قتل مسیلمه و شهادت عده زیادی از مسلمانان انجامید. تعداد شهدا را ۱۲۰۰ نفر گفته‌اند که هفتصد نفرشان حافظ قرآن بودند! سِجَاح نیز فرار کرد و بعدها به اسلام گروید. تحرکات دیگر مرتدان نیز به تدریج سرکوب شد و حکومت مدینه توانست مجدداً بر مناطق مختلف

در درس‌های پیشین خواندید که پس از فتح مکه توسط رسول خدا ﷺ و گسترش قدرت حکومت اسلامی مدینه، قبایل ساکن در نواحی مختلف شبه جزیره عربستان با فرستادن نمایندگانی به مدینه، اسلام و تابعیت از حکومت نبوی ﷺ را پذیرفتند، اما چنین نبود که همه آنان پی به حقانیت اسلام برده باشند و برخی از آنان صرفاً به علت گسترش قدرت اسلام، به ظاهر اظهار اسلام کردند. پس از رحلت رسول خدا ﷺ و آغاز خلافت ابوبکر، این گونه قبایل راه ارتداد در پیش گرفته، سر به شورش برداشتند. اینان به گروه مرتدان یا از دین برگشتگان معروف شدند. به جز اینان، چند تن نیز با ادعای دروغین

۱- اینان عبارت بودند از: أسود عَنَسِي، مُسَیَلَمَه بن حَبِيب، سِجَاح بنت حَارِث، و طَلِيحَة بن خُوَيْلِد.

ورزیدند؛ از این رو، با عنوان مانعان زکات با آنان برخورد شد^۱ و این در حالی بود که آنان نسبت به اصل حکم زکات اعتراضی نداشتند. در برخی از منابع تاریخی، سخنان و اشعار اینان در دفاع از خلافت اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. البته برخی از مانعان زکات نیز کسانی بودند که پرداخت زکات به کسانی غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله را نوعی باج‌خواهی قلمداد می‌کردند.

جزیره العرب تسلط یابد. در جریان سرکوب مرتدان، برخی از افراد و قبایل که نسبت به خلافت ابوبکر معترض بودند و انتظار خلافت فردی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند، نیز مورد هجوم واقع شدند و با آنان همچون مرتدان برخورد شد. این گروه‌ها و قبایل از آنجا که ابوبکر را به عنوان خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شناختند، از پرداخت زکات به نمایندگان او امتناع

فکر کنید و پاسخ دهید

با وجود جذابیت‌های ذاتی اسلام، به نظر شما چرا گروهی از عرب‌های به ظاهر مسلمان، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله راه ارتداد در پیش گرفتند؟

لشکر اسامه (آزمایش امت)

رحلت ایشان به عنوان ملاک برتری خلیفه اول (ابوبکر) مطرح شد؛ یعنی سنّ بیشتر و قرابت نسبی با پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق قبیله قریش. سپاه اسامه به علت کارشکنی برخی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تا زمان رحلت آن حضرت اعزام نشد. پس از استقرار ابوبکر بر مسند خلافت، سپاه اسامه با اصرار و شتاب خلیفه به مرز روم اعزام شد. تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حرکت سپاه اسامه، به منظور خارج شدن مخالفان امام علی علیه السلام از مدینه بود، اما این بار، عجله در اعزام سپاه برای خارج شدن مخالفان خلافت ابوبکر بود! از این رو، ابوبکر با اخذ اجازه از اسامه، عمر را از این اعزام معاف کرد!

سپاه اسامه پس از اعزام به مرز شام و درگیری در منطقه «أبئی» با گروه‌هایی که پیش از این در جنگ موته با مسلمانان جنگیده بودند، به مدینه بازگشت.

در درس‌های پیشین، ضمن بیان اقدامات رسول خدا صلی الله علیه و آله در واپسین روزهای زندگی، به تلاش آن حضرت برای اعزام سپاهی به مرز روم، به فرماندهی «اسامه بن زید» اشاره شد. نکته قابل تأمل در این اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله، تعیین یک فرد جوان به عنوان فرمانده این سپاه بود. این کار در حالی انجام گرفت که در میان اصحاب شرکت کننده در آن سپاه، بسیاری از صحابه مفسن و با سابقه حضور داشتند. اقدام مزبور توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله معنایی جز این ندارد که آن حضرت قصد مخالفت عملی با معیارهای جاهلی در تعیین مسئولان و متولیان امور را داشته است؛ زیرا مفسن‌تر بودن به خودی خود حکایت از شایستگی بیشتر ندارد. و از سوی دیگر، این اقدام نبوی صلی الله علیه و آله پاسخی عملی به آن چیزی بود که پس از

۱- یکی از این افراد، مالک بن نویره از قبیله بنی یربوع بود. خالد بن ولید که از سوی ابوبکر برای سرکوب اعتراضات گسیل شده بود، وی و تعدادی از افراد قبیله‌اش را کشت و همسر او را نیز مورد تعدی قرار داد. متأسفانه، ابوبکر نسبت به رفتار یادشده از خالد بن ولید واکنشی نشان نداد و آن را گونه‌ای اجتهادِ خطاپذیر برشمرد!

یک توضیح

ام اییها

«ام اییها» به معنای «مادر پدرش» یکی از لقب‌های مشهور حضرت فاطمه علیها السلام دختر گرامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. آن حضرت - بنا بر نقل مشهور - در پنجمین سال بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله متولد شد. او مادرش - حضرت خدیجه علیها السلام - را در پنج سالگی از دست داد، اما همواره ملازم، همراه و یار پدر بود. پس از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه، فاطمه علیها السلام نیز هجرت کرد و پس از جنگ بدر به همسری امیرمؤمنان علی علیه السلام درآمد. در حوادث دوره مدینه، فاطمه علیها السلام به عنوان مهم‌ترین یار و غم‌خوار پدر، مایه تسلی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ به عنوان مثال، هنگامی که در جنگ احد، رسول خدا صلی الله علیه و آله مجروح شد، فاطمه علیها السلام به مداوای پدر پرداخت. او به عنوان برترین و با فضیلت‌ترین دختران پیامبر صلی الله علیه و آله همواره محل مراجعه زنان مسلمان بود تا احکام دینی را برایشان بازگوید. پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام مدتی بسیار اندک در قید حیات بود و پس از مدتی بیماری و تحمل رنج، در هجده سالگی به شهادت رسید. سبب رنجوری او، علاوه بر دوری پدر، ظلم و تعدی نسبت به او و همسرش، علی علیه السلام و غصب حقوق اهل بیت علیهم السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز محرومیت امت از مسیر اصلی هدایت بود. میان فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله رابطه عاطفی عمیقی مطرح بود، و لقب ام اییها توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام داده شد. یکی از معانی این لقب آن است که بقای آثار رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله به وسیله امامانی است که همگی آنان از نسل حضرت زهرا علیها السلام هستند.

یکی از مهم‌ترین رخدادهای دوره خلافت عمر، انجام فتوحات در مناطق مختلف اطراف شبه جزیره عربستان بود. اما پیشینه فتوحات به دوره خلافت ابوبکر باز می‌گردد. وی پس از فرو نشاندن شورش مرتدان و سرکوب مخالفان سیاسی و تسلط نسبی بر اوضاع، ضمن ارسال نامه‌هایی به مردم مکه، طائف، یمن و تمام عرب‌های حجاز و نجد، آنان را به جهاد فرا خواند. او در همین نامه‌ها، وعده غنائم موجود در روم را نیز به آنان داد. به دنبال آن، نیروهای نظامی مسلمانان در سال دوازدهم هجری/ ۶۳۳م، به سوی شام حرکت کردند. ابوبکر سه لشکر با سه فرمانده

بنابراین، می‌توان اعزام این سپاه توسط ابوبکر و تحقق نیافتن اعزام آن در اواخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزمایشی عجیب برای امت اسلام به شمار آورد و میزان پابندی برخی از صحابه به دستورهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را سنجید.

خلیفه دوم و مسئله فتوحات

دوره خلافت ابوبکر پس از دو سال و سه ماه و چند روز پایان یافت و او در واپسین لحظات حیات، طی وصیت‌نامه‌ای مکتوب، عمر بن خطاب را به عنوان جانشین خود معرفی و نصب کرد.



دولت اسلام در عصر پیامبر خدا ﷺ و فتوحات عصر راشدین، مأخذ: اطلس تاریخ اسلام، صادق آئینه‌وند

شدند؛ مشروط بر آنکه شخص خلیفه خود به این شهر بیاید و پیمان صلح را امضا کند. عمر نیز پس از مشورت با اصحاب رسول خدا ﷺ و با تشویق امیر مؤمنان علی بن ابی طالب در سال شانزدهم یا هفدهم هجری به بیت المقدس رفت و تعهدات متقابلی میان مسلمانان و مسیحیان امضا شد. مسلمانان تعهد کردند افزون بر تأمین مالی و جانی مردم مسیحی، کلیسایی را تخریب نکنند؛ یهودیان را در بیت المقدس ساکن نکنند؛ صلیبی شکسته نشود و اجباری در دینداری نباشد. مسیحیان نیز متعهد شدند مالیاتی همچون مردم مدائن بپردازند؛ در مهاجرت از بیت المقدس یا سکونت در آن شهر مختار باشند و با رومیان همکاری نکنند.

ترتیب داد و مدتی بعد ابو عبیده جراح را به همراه نیرویی کمکی به آنان ملحق کرد و فرماندهی کل را نیز به او سپرد. پیروزی‌های مسلمانان در شام موجب وحشت هراکلیوس - امپراتور روم - شد. از این رو، به فکر تهیه نیرو افتاد، اما تلاش او نتیجه نداد. جبهه دیگری که در عصر خلافت ابوبکر گشوده شد، در ناحیه عراق بود که تحت حاکمیت شاهان ساسانی یا حکومت دست‌نشانده آنان قرار داشت. در زمان ابوبکر بخش‌هایی از عراق فتح شد و فتح کامل آن در دوره خلافت عمر صورت گرفت.

در دوره خلافت عمر فتوحات ادامه یافت. ادامه فتوحات شام به محاصره بیت المقدس توسط مسلمانان منجر شد و مردم مسیحی شهر حاضر به صلح

جبهه دیگر فتوحات، در شمال آفریقا بود. زمانی که

صورت گرفت، فرمانده سپاه ساسانی - رستم فرخزاد - کشته شد و آنان شکست خوردند. نبرد قادسیه، زمینه ساز حمله مسلمانان به مدائن^۲ در سال شانزدهم هجری شد. یکی از شهرهای مدائن، تیسفون بود که به عنوان پایتخت زمستانی شاهان ساسانی به شمار می رفت. در حمله مسلمانان تیسفون و خزائن گرانبهایش به تصرف آنان درآمد. با سقوط مدائن، پادشاه ساسانی - یزدگرد سوم - به همراه خانواده و اطرافیانش به نواحی شرقی

عمر در شام به سر می برد، عمرو بن عاص از او اجازه خواست که برای فتح مصر حرکت کند و با موافقت عمر، طی دو سال، مناطق زیادی از مصر فتح شد. فتح ایران در زمان خلافت عمر به وقوع پیوست. پس از نبرد جسر (پل) در سال سیزدهم هجری که به شکست مسلمانان منجر شد، درگیری های دیگری رخ داد که با پیروزی مسلمانان همراه بود؛ از جمله درگیری مهمی که در سال چهاردهم هجری^۱ در منطقه قادسیه

نظام طبقاتی تقسیم بیت المال که توسط عمر (خلیفه دوم) ابداع شد.

سهم دریافتی	افراد و گروه ها
۱۲۰۰۰ درهم	۱ عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر ﷺ)
۱۲۰۰۰ درهم	۲ عایشه (همسر رسول خدا ﷺ)
۱۰۰۰۰ درهم	۳ دیگر همسران پیامبر
۵۰۰۰ درهم	۴ مهاجرانی که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	۵ انصاری که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰۰ درهم	۶ اسامة بن زید و عمر بن ابی سلمه
۴۰۰۰ درهم	۷ حاضران در جنگ احد و پس از آن تا صلح حدیبیه
۳۰۰۰ درهم	۸ حاضران در حوادث پس از صلح حدیبیه و کسانی که قبل از فتح مکه هجرت کرده بودند
۳۰۰۰ درهم	۹ فرزندان جوان مهاجران و انصار
۱۰۰۰ درهم	۱۰ کسانی که پس از فتح مکه مسلمان شدند
بسته به میزان حضور در جنگ ها، ۲۵۰۰	۱۱ کسانی که در حوادث پس از رحلت رسول خدا ﷺ حضور داشتند
درهم، ۲۰۰۰، ۱۵۰۰، ۱۰۰۰، ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ درهم	
۵۰۰ درهم	۱۲ زنان کسانی که در جنگ بدر حضور داشتند
۴۰۰ درهم	۱۳ زنان کسانی که در حوادث پس از بدر تا صلح حدیبیه حضور داشتند
۳۰۰ درهم	۱۴ زنان کسانی که در حوادث پس از صلح حدیبیه حضور یافتند
۲۰۰ درهم	۱۵ زنان کسانی که در جنگ قادسیه حضور داشتند
۲۰۰۰، ۱۰۰۰، ۵۰۰ تا ۳۰۰ درهم	۱۶ اهل یمن و قبیله قیس در شام و عراق

مأخذ: ماوردی، الاحکام السلطانیه، ص ۲۰۰؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۲۱۴.

۱- و بنابر روایات دیگر پانزدهم یا شانزدهم هجری.
 ۲- مدائن، مجموعه ای از چند شهر در عراق به فاصله حدود ۳۲ کیلومتری جنوب شرقی بغداد بر دو سوی ساحل دجله بوده است.

ایران گریخت. نبرد نهایی (فتح الفتوح) بین مسلمانان و سپاه ساسانی، در منطقه نهاوند و در سال بیست و یکم هجری رخ داد که به شکست ایرانیان و شهادت تعدادی از مسلمانان منجر شد. ادامه فتح ایران تا منطقه خراسان و نیز فتح مناطق آذربایجان و ارمنستان در اواخر دوره خلافت عمر و سپس در دوره خلافت عثمان به انجام رسید.

شیوه اداره امور

دوره خلافت عمر حدود ده سال به طول انجامید. وی در اداره امور روش‌های خاصی داشت. به عنوان مثال، او از همان آغاز خلافت به سختی با نقل و نیز کتابت احادیث نبوی ﷺ به مخالفت برخاست! از این رخداد در منابع تاریخی با عنوان «منع نقل و تدوین حدیث» یاد می‌شود که با شدت و ضعف تا پایان قرن اول هجری ادامه یافت. عمر دلیل این کار را حفظ کتاب خدا از خلط با غیر قرآن و نیز کافی بودن قرآن برای مسلمانان می‌دانست! و این در حالی بود که رسول خدا ﷺ بر ثبت و تدوین روایات تأکید داشت. به اعتقاد محققان، دلیل اصلی منع نقل و تدوین حدیث، جلوگیری از گسترش روایات مربوط به شأن و جایگاه اهل بیت علیهم السلام - به ویژه مسئله امامت و خلافت آنان - بوده است.

تکیه بر رأی و نظرات شخصی در فهم دین و اجرای امور، از دیگر ویژگی‌های خلیفه دوم در دوره خلافت اوست. این ویژگی سبب برخی اعمال نظرها و ابداعات در احکام عبادی و اجتماعی اسلام شد، که به

عنوان نمونه می‌توان به حذف «حی علی خیر العمل» از اذان اشاره کرد. او با این توجیه که اکنون دوره فتوحات و جهاد است و اگر مردم، نماز را بهترین عمل بدانند به جهاد نمی‌روند گفتن این جمله را منع کرد! و این در حالی بود که مردم در زمان رسول خدا ﷺ این جمله را در اذان می‌گفتند و به جهاد نیز می‌رفتند.

گفتنی است که خلیفه دوم در بعضی از موارد به مشورت با اصحاب رسول خدا ﷺ می‌پرداخت که به عنوان نمونه، می‌توان به مشورت او هنگام جنگ با روم و ایران اشاره کرد. او همچنین پس از مشورت با اصحاب پیامبر ﷺ بنا به توصیه امیرمؤمنان علی رضی الله عنه، هجرت رسول خدا ﷺ را به عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان اعلام کرد.^۱ دوره خلافت ده ساله عمر با کشته شدنش به دست غلامی به نام «ابولؤلؤ» در اواخر ذی حجه سال ۲۳ هجری به پایان رسید.

خلافت عثمان و گسترش فتنه و آشوب

پایان خلافت عمر نیز به بازگشت خلافت به مسیر اصلی - که رسول خدا ﷺ در غدیر خم ترسیم کرده بود - نینجامید. عمر پس از آنکه توسط ابولؤلؤ مجروح شد، شورایی متشکل از شش نفر^۲ تشکیل داد تا از میان خود یک نفر را برگزینند. او مقرر کرد در این شش نفر اگر اقلیتی در برابر اکثریت قرار گرفتند، باید گردن اقلیت زده شود و اگر سه نفر در برابر سه نفر دیگر واقع شدند، رأی کسانی مقدم است که عبدالرحمان بن عوف (شوهر خواهر عثمان) در بین آنهاست! و این خود دلیل گویایی است

۱- شایان ذکر است که خود رسول خدا ﷺ نیز هجرت را مبدأ تاریخ‌گذاری حوادث قرار داده بود و امیرمؤمنان علی رضی الله عنه درحقیقت، سنت رسول خدا ﷺ را یاد آور شد.

۲- امیر مؤمنان علی رضی الله عنه از بنی هاشم، عثمان از بنی امیه، طلحه از بنی تمیم، زبیر از بنی هاشم، سعد بن ابی وقاص از بنی زهره و عبدالرحمان بن عوف

از بنی زهره.

خدا ﷺ روی منبر او نشست و این در حالی بود که ابوبکر یک پله و عمر دو پله پایین‌تر از مکان رسول الله ﷺ می‌نشستند!

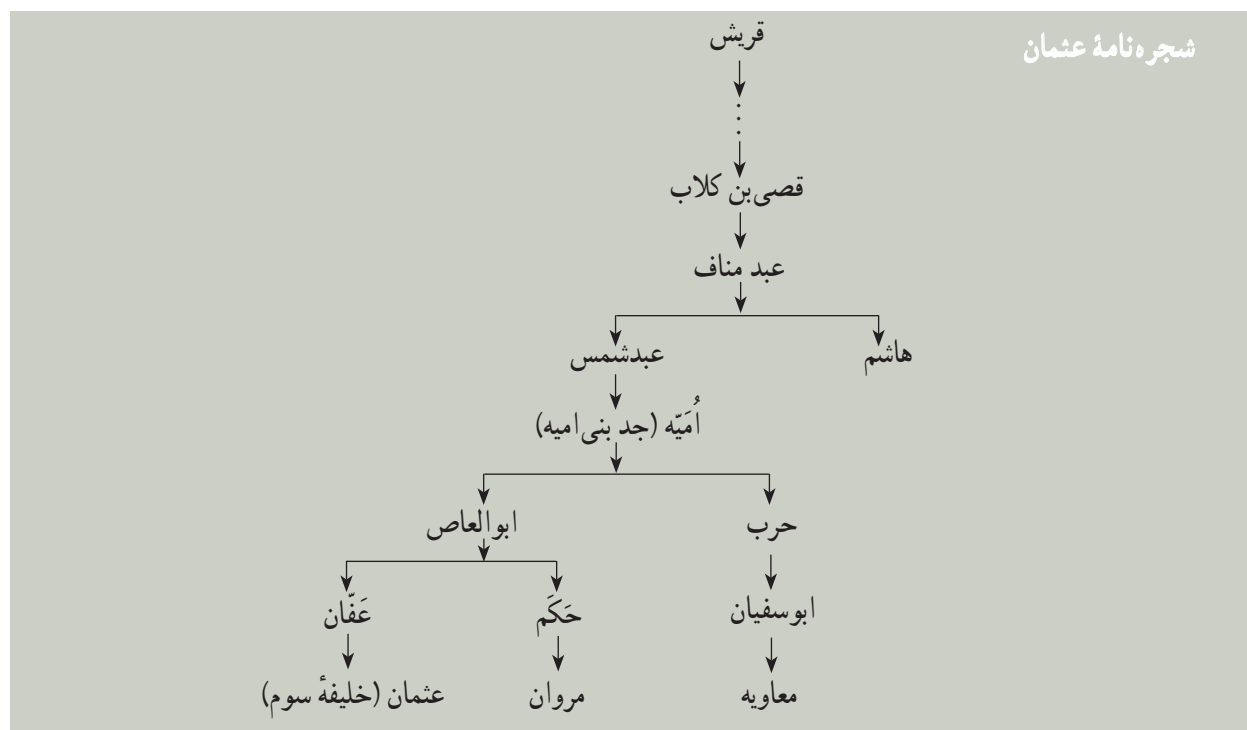
نخستین اقدام او، عدم اجرای حکم قصاص عبیدالله بن عمر بود که به خون‌خواهی پدرش (عمر) سه بی‌گناه را به قتل رسانیده بود! این کار موجب انتقاد برخی از صحابه نسبت به عملکرد خلیفه شد.

عثمان حدود دوازده سال خلافت کرد. وی در شش سال اول خلافت نسبتاً آرام و معتدل عمل کرد، اما در نیمه دوم حکومتش به ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی مناطق گوناگون پرداخت. او برای استوار کردن نفوذ امویان، بسیار تلاش کرد که سبب اعتراض اصحاب

بر آنکه هدف اصلی از تعیین شورای شش نفره، گزینش عثمان بود و سرانجام نیز عثمان به عنوان خلیفه برآمده از این شورا به مسلمانان معرفی شد.^۱

عثمان بن عفان فردی بود از خاندان بنی‌امیه که در مکه اسلام آورد و پس از هجرت، در برخی از حوادث همراه پیامبر ﷺ بود.^۲ در زمان ابوبکر، او از افراد نزدیک به خلیفه و کاتب وی به شمار می‌آمد. در دوره عمر نیز نفوذ قابل توجهی داشت و در آن شرایط، نماینده بنی‌امیه شمرده می‌شد؛ چنان‌که علی بن ابی‌طالب نیز نماینده بنی‌هاشم بود و این دو، بیشترین احتمال و زمینه برای جانشینی عمر را دارا بودند.

پس از گزینش عثمان به خلافت، وی برجای رسول



۱- از آنجا که سعد بن ابی وقاص حق رأی خود را به هم قبیله‌ای خودش - عبدالرحمان بن عوف - واگذار کرد و عبدالرحمان نیز اعلام کرد خواهان خلافت نیست و زبیر نیز حق خود را به علی بن ابی‌طالب و انهداد و طلحه نیز در مدینه حضور نداشت، بنابراین، عملاً خلافت منحصر در علی بن ابی‌طالب و عثمان بود. ابن عوف به علی بن ابی‌طالب پیشنهاد کرد که خلافت را به شرط عمل به کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و سیره ابوبکر و عمر بپذیرد، اما امام علی بن ابی‌طالب تنها شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ را پذیرفت و چون عثمان شرایط عبدالرحمان بن عوف را پذیرفت، به خلافت برگزیده شد!

۲- وی در غزوه بدر حضور نداشت. در غزوه احد جزء فراریان بود و در جریان حدیبیه به نمایندگی از رسول خدا ﷺ به میان قریش رفت.

۳- وی به تصور این که هرمان - که مردی ایرانی بود - و همسر و دختر ابولؤلؤ در قتل عمر دست داشته‌اند، آنان را مظلومانه کشت.

حکومت خود کرد و حارث را مسئول نظارت بر بازار مدینه نمود. عثمان، اموال بسیاری را بدون حساب و کتاب، به حَکَم و فرزندانش و دیگر امویان بخشید. وی همچنین، ولید بن عُقبه را که قرآن، وی را فاسق خوانده بود و رسول خدا ﷺ به او وعده جهنم داده بود، حاکم کوفه کرد!^۱

پیامبر ﷺ شد. به عنوان نمونه، او حَکَم بن ابی العاص اموی را که تبعیدی پیامبر ﷺ بود، در همان آغاز حکومت به مدینه فراخواند و مسئولیت جمع زکات قبیله خزاعه را به وی سپرد! دو دخترش را به عقد دو پسر او - مروان و حارث - درآورد. مروان را کاتب و همه کاره

فکر کنید و پاسخ دهید

چرا رفتار خلیفه سوم در شش سال اول و شش سال دوم دوره خلافت تفاوت داشت؟

برای همسرانش مقرر کرد.^۲ همه این موارد، زمینه ساز اعتراضات صحابه برضد عثمان شد، اما برخورد عثمان با آنها مناسب نبود.^۳

مردم مصر نیز طی نامه‌ای، به عثمان تذکر دادند و نهایتاً شماری از آنان و مردم کوفه به مدینه آمدند و با اخذ تعهد از عثمان به سمت مصر بازگشتند. آنان در میانه راه به غلام عثمان برخوردند که با شتاب به سوی مصر می‌رفت و نامه‌ای مبنی بر مجازات معترضان، خطاب به والی مصر با خود داشت! از این رو، معترضان به مدینه بازگشتند و پس از چهل و نه روز محاصره خانه عثمان، نهایتاً وارد خانه‌اش شدند و او را کشتند.

یکی از اقدامات عثمان که نقش مستقیمی در شورش مسلمانان بر ضد او داشت، نصب عبدالله بن - سعد بن ابی سرح به عنوان حاکم مصر بود؛ وی به علت ارتداد، در زمان رسول خدا ﷺ از سوی آن حضرت مطرود و محکوم شده بود. رفتار ظالمانه او با مردم مصر و اصرار عثمان بر ابقای وی، موجب اعتراض مصریان بر عثمان شد.

عثمان دارای روحیه‌ای اشرافی بود. وی در مدینه خانه‌ای سنگی و محکم با درهای چوبی زیبا برای خود بنا کرد. همچنین بذل و بخشش‌های زیادی از اموال عمومی نسبت به بستگان خود داشت! وی فدک را به دامادش - مروان بن حکم - بخشید و مهریه‌های کلان

۱- او در کوفه اقدام به شربخواری کرد و با همان حال به نماز صبح حاضر شد و آن را چهار رکعت به جا آورد که با اعتراض صحابه، عثمان به ناچار او را عزل کرد و در مدینه توسط امام علی رضی الله عنه حد شربخواری بر او جاری شد.

۲- علامه امینی در جلد هشتم کتاب ارزشمند الغدیر، (ج ۸، ص ۲۸۶)، جدولی از بخشش‌های سومین خلیفه ارائه کرده است.

۳- عمار یاسر به جرم اعتراض، به دستور عثمان مضروب شد. عبدالله بن مسعود مورد اهانت قرار گرفت و پهلوی شکست. ابوذر نیز به شام و

سپس ربه تبعید شد و به تنهایی در آنجا درگذشت.

علل پیروزی مسلمانان در فتوحات

در این باره به چند نکته باید توجه داشت :

- ۱- اراده مسلمانان که از ایمان دینی آنان و تعالیم پیامبر گرامی ﷺ بر می خاست.
- ۲- وعده پیروزی بر روم و ایران که پیامبر اکرم ﷺ به مسلمانان داده بود، اعتماد به نفس بالایی در آنان ایجاد کرده بود.
- ۳- سهم بزرگی که جنگ جویان از غنائم می بردند، موجب تقویت انگیزه آنان بود.
- ۴- رفتار نامناسب رومی ها با مردم شام، و وجود اختلافات مذهبی میان مسیحیان شام و مسیحیان روم نوعی دلزدگی در ساکنان شام پدید آورده بود.
- ۵- ضعف دولت ساسانی پس از خسرو پرویز و فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر توده مردم در نتیجه جنگ های طولانی مدت با روم موجب عدم پشتیبانی ایرانیان از دولت ساسانی بود.
- ۶- فقدان جذابیت در دین زرتشتی در برابر جذابیت های اسلام.
- ۷- رفتار همراه با عدالت غالب فاتحان مسلمان، تحت تأثیر آموزه های نبوی ﷺ.

پرسش های نمونه

- ۱- جریان مرتدان یا از دین برگشتگان را شرح دهید.
- ۲- به جز پیامبران دروغین، نیروهای اعزامی توسط ابوبکر با چه گروه هایی جنگیدند؟
- ۳- سبب عدم اعزام سپاه اسامه در عصر رسول خدا ﷺ و اعزام آن در عصر ابوبکر را بیان کنید.
- ۴- ایران چگونه فتح شد؟
- ۵- چه عوامل و زمینه هایی سبب شورش بر ضد عثمان و قتل او شد؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- ضمن مطالعه یکی از آثار مربوط به حضرت زهرا علیها السلام، ویژگی های اخلاقی آن حضرت را برای دوستانتان توصیف کنید.
- ۲- با وجود سیره نبوی ﷺ در تقسیم مساوی بیت المال، چرا خلفای دوم و سوم روشی دیگر را در پیش گرفتند؟ ضمن تحقیق درباره علت این اقدام، چگونه عملکرد امام علی علیه السلام را در این باره ضمن گزارشی ارائه کنید.